

# تلفيق حقوق



ICRC



ICRC

International Committee of the Red Cross

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ

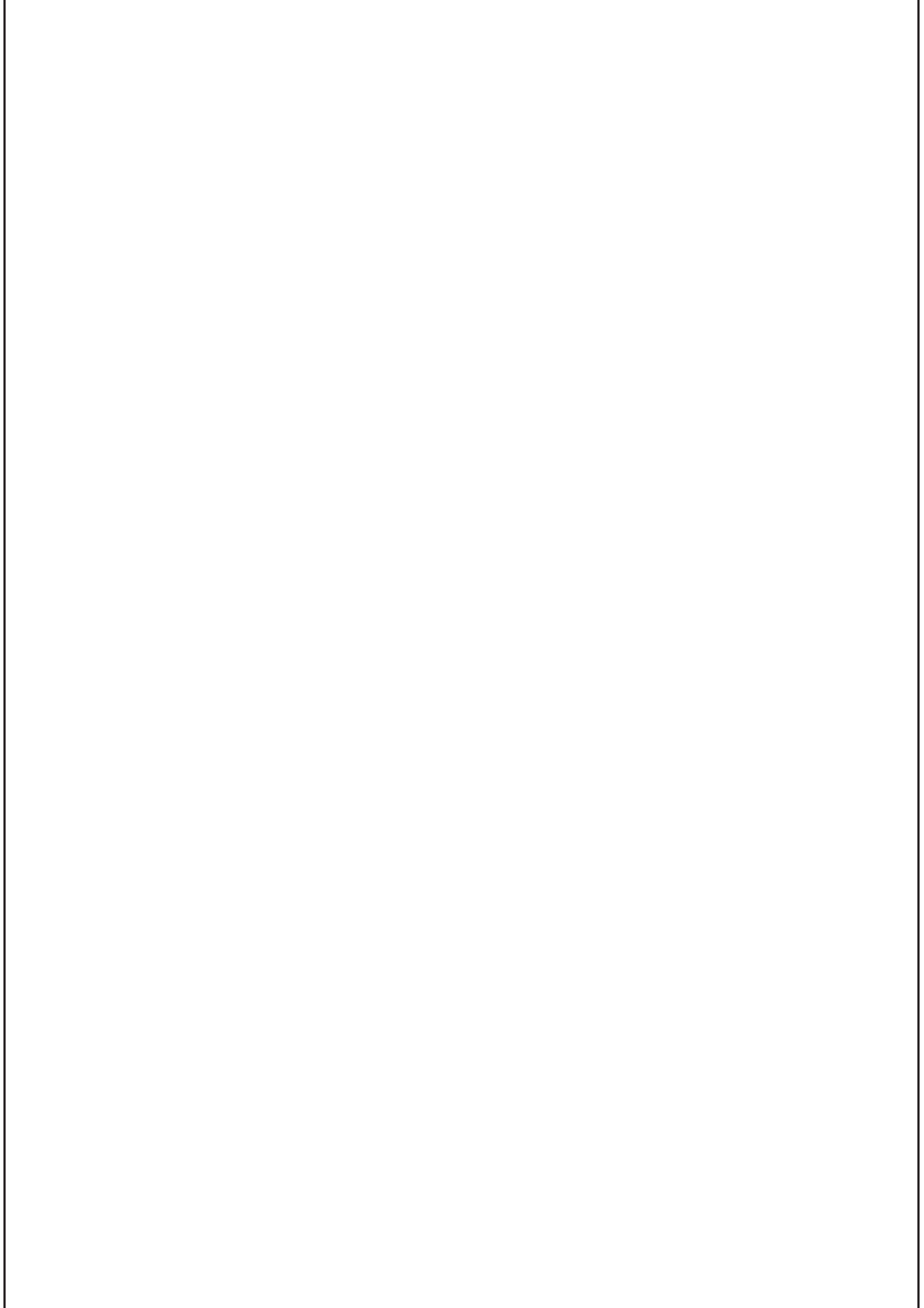
تهران، خیابان آفریقا، خیابان تابان شرقی، پلاک ۷۵ تلفن: ۴-۸۷۸۵۵۰۲ فکس: ۸۷۸۳۳۷۰

پست الکترونیک: teheran.teh@icrc.org وب سایت: www.icrc.org

# تلفیق حقوق

برگردان به فارسی:

مرجان اصفهانیان



۶ مقدمه

۱۰ بخش ۱ اجرای ملی قانون حاکم

۱۱ ۱-۱- چارچوت حقوقی

۱۴ ۱-۲- اجرای ملی

۱۶ ۱-۳- مسوولیت‌ها

۱۸ ۱-۴- کنترل واقعی

۱۹ بخش ۲ تلفیق حقوق

۲۰ ۲-۱- مفهوم تلفیق حقوق

۲۳ ۲-۲- ضروریات اولیه

۲۴ ۲-۳- برنامه

۲۶ ۲-۴- تلفیق در دکترین

۳۰ ۲-۵- تلفیق در زمینه آموزش

۳۳ ۲-۶- تلفیق در زمینه پرورش

۳۷ ۲-۷- تجهیزات

۴۰ ۲-۸- ضمانت اجرای موثر

۴۱ بخش ۳ حمایت کمیته بین المللی صلیب سرخ

۴۲ ۳-۱- کمیته‌ی بین المللی صلیب سرخ و حقوق بین المللی

۴۶ ۳-۲- نقش کمیته‌ی بین المللی صلیب سرخ



مقدمه

امروزه شمار بسیاری از حاملان سلاح - نیروهای نظامی، امنیتی، پلیس، گروه‌های مسلح غیر دولتی و شرکت‌های خصوصی نظامی یا امنیتی - در شرایط گوناگونی به زور متوسل می‌شوند.

توسل به زور شامل اقدامات مختلفی می‌گردد؛ از عملیات حفظ قانون و نظم در زمان صلح گرفته تا عملیات جنگی کشنده. حاملان سلاح در وضعیت‌های میان این دو حد، که به آن "خشونت داخلی"، "تنش" یا "ناآرامی" گفته می‌شود نیز به زور متوسل می‌گردند.

اجرای قانون یا انجام تکالیف جنگی متضمن داشتن قدرت قابل ملاحظه‌ای، مانند توانایی تفتیش افراد یا اموال آنان و توسل به زور - از جمله استفاده از سلاح‌های گرم - برای پیشگیری از وقوع جرایم کشنده یا از کار انداختن فرد با ایراد جراحت یا به قتل رساندن وی می‌باشد. با این حال اعطای چنین قدرتی، با مسوولیت همراه است. بنابراین، توسل به زور نامحدود نبوده و همیشه در یک چارچوت حقوقی مشخص رخ می‌دهد. در سطح بین‌المللی، این قواعد و استانداردهای حقوقی در حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL) و نظام بین‌المللی حقوق بشر (IHRL) بیان شده‌اند.

بسیاری از مقامات و حاملین سلاح در سراسر جهان تلاش‌های گسترده‌ای برای تضمین متابعت از قوانین قابل اعمال در زمان عملیات‌ها انجام داده که در برخی موارد به نتایج خوبی نیز دست یافته‌اند. با این حال نقض قوانین همچنان رخ می‌دهد و ضرورت تبادل تجربیات و بهترین عملکردها در این زمینه برای افزایش متابعت

احساس می‌شود.

جامعه بین‌المللی مأموریت حمایت و کمک به قربانیان درگیری‌های مسلحانه و سایر وضعیت‌های خشونت‌آمیز را به کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، محول نموده‌است. همچنین این کمیته می‌کوشد از طریق ارتقای حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL) و بخشی کوچک اما مهمی از آنچه به عنوان نظام بین‌المللی حقوق بشر (IHL) شناخته می‌شود، یعنی برخی قواعد بنیادین حمایت‌کننده از افراد در شرایط خشونت، از ورود درد و رنج جلوگیری کند.

این کتابچه درسهایی را که کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ از چند دهه فعالیت فرا گرفته، جمع‌آوری نموده و در نظر دارد مقامات و کارکنان ارشد نظامی را با کلیت آنچه ما آن را "تلفیق" می‌نامیم، آشنا سازد. این روند، تبدیل قواعد حقوقی به راهکارهای دقیق یا اتخاذ تدابیری به منظور تضمین متابعت و گزینش ابزارهای لازم برای دستیابی به این هدف است. تلفیق یک روند مداوم است که باید به دکتترین، آموزش، پرورش و موضوع تجهیزات پرداخته و توسط یک نظام ضمانت اجرایی مناسب پشتیبانی شود.

این کتابچه به سه بخش تقسیم شده است. بخش نخست، چارچوت حقوقی قابل اعمال بر توسل به زور و مسوولیت‌های بالاترین مقامات سیاسی در خصوص اجرا و ترویج این قواعد را بیان می‌نماید. بخش دوم، به طور خاص به حاملین سلاح پرداخته و جنبه‌های فنی تلفیق قواعد حقوقی مرتبط را در دکتترین، آموزش،





پرورش و تجهیزات و همچنین نقش مهم ضمانت اجرا را نشان می‌دهد. بخش سوم، رابطه کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ با حقوق بین‌المللی و راههای حمایت فعالانه این سازمان را از تلاش در جهت ارتقای رفتار قانونی، مورد بحث قرار می‌دهد.

این کتابچه اساساً متوجه دولتها و مسوولیت‌های آنهاست، اگر چه فرآیند، مفاهیم اصلی و نتیجه‌گیری‌های آن را می‌توان از طریق قیاس به گروه‌های مسلح غیردولتی که متعهد به رعایت قانون بوده و توانایی انجام مسوولیت‌های خود را به نحو موثری در طول زمان دارند، تعمیم داد.







**بخش نخست**

**اجرای ملی قانون حاکم**



### حقوق بین‌المللی بشردوستانه و مقررات خاص نظام بین‌المللی حقوق بشر، توسل به زور را محدود می‌کند.

شرایط مشخصی، اجرای حقوق معینی را معلق گذارند. با این حال "هسته سخت" حقوق بنیادین را دولتها تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند معلق کنند. از آنجا که حقوق بین‌المللی بشردوستانه از ابتدا برای ایجاد تعادل میان حق توسل به زور و حمایت از حقوق و کرامت انسانها، در شرایط اضطراری، ایجاد شده است، هیچگونه تعلیقی در مقررات آن مجاز نیست. در نتیجه توسل به زور همیشه در یک چارچوت حقوقی صورت می‌پذیرد.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه و نظام بین‌المللی حقوق بشر مکمل یکدیگر هستند. هر دو رشته از زوایای متفاوت می‌کوشند از زندگی، سلامت و کرامت افراد حمایت نمایند. همچنین هر دو مستقیماً به مسائل مرتبط به توسل به زور می‌پردازند.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه جهت تنظیم توسل به زور در شرایط استثنایی درگیری‌های مسلحانه تدوین و توسعه یافته است؛ هدف این حقوق، حمایت از اشخاصی است که در درگیری‌ها شرکت ندارند (و یا دیگر شرکت ندارند) و همچنین تکالیفی را بر تمامی طرفهای درگیر تحمیل می‌نماید. نظام بین‌المللی حقوق بشر، از افراد در هر زمانی، در زمان صلح و جنگ به یک میزان، حمایت می‌کند؛ همه افراد را منتفع می‌سازد و هدف اصلی آن حمایت از افراد در مقابل رفتارهای خودسرانه دولتهای آنهاست. برای موثر بودن چنین حمایت‌هایی، مقررات بین‌المللی می‌بایست در مقررات داخلی منعکس شده باشند. بیشتر اسناد حقوق بشری دولتها را مجاز می‌دارند، در مواردیکه با یک تهدید عمومی مواجه می‌شوند (برای مثال در طول بروز ناآرامی‌های داخلی یا درگیری‌های مسلحانه)، تحت

## حقوق بین‌المللی بشردوستانه

حقوق بین‌المللی بشردوستانه، مجموعه قواعدی است که می‌کوشد آثار درگیری‌های مسلحانه را به دلایل انسانی محدود کند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه از افرادی که در درگیری‌ها شرکت ندارند (یا دیگر شرکت ندارند) حمایت کرده و ابزارها و روش‌های جنگی را محدود می‌کند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه همچنین به عنوان "حقوق جنگ" و یا "حقوق درگیری‌های مسلحانه" شناخته شده است.

کنوانسیون‌های ژنو- که در سال ۱۹۴۹ مورد بازنگری قرار گرفته و توسعه یافتند- قواعدی را برای حمایت از گروه‌های ذیل وضع نموده‌اند:

- کنوانسیون اول: بیماران و مجروحان جنگ زمینی؛  
- کنوانسیون دوم: بیماران و مجروحان و کشتی شکستگان در دریا؛

- کنوانسیون سوم: اسرای جنگی؛

- کنوانسیون چهارم: غیرنظامیان در زمان جنگ.  
کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، از جمله معاهدات بین‌المللی هستند که مورد پذیرش همه دولت‌ها قرار گرفته و به پذیرش جهانی نائل شده‌اند.

قواعد حاکم بر هدایت مخاصمات در کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه تنظیم شده‌اند. این قواعد روشها و ابزارهای جنگی مورد استفاده طرفهای درگیر را محدود می‌سازند. در واقع، این قواعد هدایت عملیات نظامی را در درگیری‌های مسلحانه با ارائه تعریف از استفاده مناسب و مجاز از سلاحها و تاکتیکهای نظامی، تنظیم می‌کند.

قواعد ناظر بر حمایت از افراد و هدایت مخاصمات به وسیله دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۷۷، در کنار یکدیگر قرار گرفته و روزآمد شدند. معاهدات متعدد دیگری مکمل این مقررات هستند مانند کنوانسیون ۱۹۵۴ در مورد حمایت از اموال فرهنگی در زمان درگیری مسلحانه، کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد سلاحهای متعارف، کنوانسیون ۱۹۹۷ در مورد ممنوعیت مین‌های ضدنفر و نابودی آنها، اساسنامه ۱۹۹۸ رم موسس دیوان بین‌المللی کیفری و پروتکل سوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۲۰۰۵ در مورد ایجاد یک نشان دیگر (کریستال سرخ) در کنار صلیب سرخ و هلال احمر.

معاهدات تنها دولت‌هایی را که متعهد به اجرای آن معمولاً از طریق تصویب شده‌اند، ملزم می‌کند. این تعهدات مکتوب به وسیله حقوق عرفی که از عملکرد عمومی دولت‌ها ناشی شده و به عنوان قاعده مورد پذیرش قرار گرفته است، تکمیل می‌شود.

## نظام بین‌المللی حقوق بشر

نظام بین‌المللی حقوق بشر شامل مجموعه اصول و قواعدی است که بر اساس آن افراد و گروهها می‌توانند برخورداری از استانداردهای معین حمایتی، رفتاری، یا دریافت امتیازاتی را از مقامات، به صرف انسان بودن، انتظار داشته باشند. مهمترین اسناد جهانی نظام بین‌المللی حقوق بشر لازم‌الاجرا عبارتند از:  
- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸؛

## تلفیق حقوق

در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی خلاصه‌ای از حقوق "هسته سخت" ارائه کرده و با وضع حداقل قواعد بنیادین، توسل به زور را در شرایطی که ناآرامی‌های داخلی به حد درگیری مسلحانه نرسیده، تنظیم می‌کند.

- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶؛  
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ۱۹۶۶؛

- کنوانسیون ۱۹۸۴ ممنوعیت شکنجه و سایر مجازات‌ها و رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز؛  
- کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک.

اسناد منطقه‌ای مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور سازمان دولتهای آمریکایی یا منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، اسناد جهانی را تکمیل می‌نمایند. مجریان قانون می‌بایست علی‌الخصوص با اصول راهبردی سازمان ملل برای مقامات مجری قانون (۱۹۷۱ CCLED) و اصول بنیادین در خصوص توسل به زور و سلاحهای گرم برای مجریان قانون (۲۰۹۹۱۲ BPUFF) آشنایی داشته باشند. این دو سند، حاوی تعهدات الزام آور نبوده و بنابراین بخشی از آنچه عموماً به عنوان "حقوق نرم" شناخته شده است، محسوب می‌گردد. با این حال این دو سند راهنمایی مفید در زمینه مباحث ویژه مرتبط با حفظ نظم و قانون ارائه می‌دهند.

## هسته سخت

برخی حقوق بنیادین مقرر در اسناد نظام بین‌المللی حقوق بشر هیچگاه قابل تعلیق نیستند که به طور مشخص شامل حق حیات، ممنوعیت شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای غیر انسانی، ممنوعیت برده داری و برده‌گیری و اصل قانونی بودن و عطف به ماسبق نشدن قانون می‌گردند.

از آنجا که حقوق بین‌المللی بشر دوستانه به طور خاص در شرایط استثنایی اعمال می‌شود، "هسته سخت" نظام بین‌المللی حقوق بشر به تضمینات حقوقی و بنیادین مقرر در حقوق بین‌المللی بشردوستانه بسیار نزدیک است. ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو قابل اعمال

1- Code of Conduct for Law Enforcement Officials.  
2- Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials.



### معاهدات و کنواسیونهای بین المللی، برای موثر بودن می بایست در قوانین داخلی منعکس شده باشند.

سلسله مراتب اجرا نمایند. برخی از این اقدامات به یک میزان به حقوق بین المللی بشردوستانه و نظام بین المللی حقوق بشر مرتبط است؛ در حالیکه برخی دیگر اختصاص به حقوق بین المللی بشر دوستانه دارند.

این روند آشکارا با رشته های مختلف مرتبط بوده و طبیعتاً وزارتخانه های متعدد، قانونگذار، دادگاه ها، نیروهای مسلح و دستگاه مجری قانون را درگیر می کند؛ در نتیجه، این امر مستلزم برنامه ریزی دقیق توسط بالاترین مقامات سیاسی و هماهنگی نزدیک ارکان مختلف است.

عضو شدن در معاهدات و کنوانسیون های بین المللی، تنها گام نخست است. دولتها مکلفند تدابیر اجرایی در خصوص مقررات بین المللی مورد پذیرش، اتخاذ کنند. با وجود آنکه این تکلیف در مورد هر قاعده ای وجود دارد اما در مورد قواعد تنظیم کننده جنگ و اجرای قانون که بر پیچیده ترین و محرمانه ترین بخش حاکمیت یعنی توسل به زور حاکم است، این اقدام مهم تر جلوه می کند.

برای فراهم آوردن محیطی مساعد برای متابعت از قانون، رهبران سیاسی می بایست مجموعه تدابیری را اتخاذ نموده و این تدابیر را از طریق

### اقدامات مشترک میان حقوق بین المللی بشردوستانه و نظام بین المللی حقوق بشر

مقررات کیفری که تجاوز به قانون را ممنوع و مجازات نمایند؛ خواه با تصویب قوانین جداگانه و یا از طریق اصلاح قوانین موجود؛

- اطمینان از اینکه تضمینات قضایی و بنیادین مورد احترام قرار می گیرند.

#### اقدامات خاص مقرر در حقوق بین المللی بشردوستانه

اجرای حقوق بین المللی بشردوستانه، مستلزم اتخاذ تدابیر دیگری است. این تدابیر شامل موارد زیر می شوند:

- حصول اطمینان از اینکه افراد و اموال مورد حمایت به نحو مناسب شناسایی و علامت گذاری شده اند؛

مقامات سیاسی باید تدابیر متعددی را اتخاذ نمایند؛ برخی از این تدابیر ماهیت نسبتاً ساده ای داشته در حالیکه برخی دیگر مستلزم فرآیند اجرایی پیچیده و تخصص ویژه می باشد. مهمترین تدابیر عبارتند از:

- ترجمه معاهدات و کنوانسیون های بین المللی به زبان ملی؛

- گسترش دانش نسبت به مقررات این اسناد به وسیع ترین نحو ممکن در میان حاملین سلاح و همچنین در میان عموم مردم به طور کلی؛

- وضع قوانین ملی همراستا با مقررات معاهدات و کنوانسیون های بین المللی و تصویب



● ایجاد زمینه برای تاسیس و یا تحکیم جمعیت‌های صلیب سرخ و یا هلال احمر یا سایر جمعیت‌های داوطلب امدادی، سازمان‌های دفاع غیرنظامی و دفاتر اطلاعاتی (مسوول مدیریت اداره اطلاعات در مورد افراد مورد حمایت).

● اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از سوءاستفاده از نشان‌های صلیب سرخ، هلال احمر، کریستال سرخ و سایر نشان‌ها یا علائم حمایتی دیگر که در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها مشخص شده‌اند؛

● بکارگیری و آموزش افراد، به ویژه مشاوران حقوقی در نیروهای مسلح؛

### یک رویکرد کلی

مفقود می‌شوند، اتخاذ برخی تدابیر اداری لازم و ضروری است مانند تاسیس اداره اطلاعات ملی (معمولاً زیر نظر وزارت امور خارجه). برخی دولت‌ها کمیته‌های حقوق بشردوستانه یا حقوق بشر یا نهادهای مشابهی برای هدایت این روند ایجاد نموده‌اند. این نهادهای تصمیم‌گیرنده و هماهنگ‌کننده، نمایندگان وزارتخانه‌های دولتی، سازمان‌های ملی، نهادهای تخصصی و دیگر افراد دارای مسوولیت یا تخصص را در زمینه اجرای قانون گردهم می‌آورند. عموماً ثابت شده که چنین نهادهایی، ابزار موثری در جهت ارتقای اجرای ملی می‌باشند.

علاوه بر وزارتخانه‌های دفاع و کشور، وزارتخانه‌های متعددی در روند اجرای ملی دخیل هستند که مرتبط‌ترین آن وزارتخانه‌های دادگستری، دارایی، آموزش و پرورش، فرهنگ و امور خارجه می‌باشند. برای نمونه، وزارت فرهنگ در اجرای کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در مورد حمایت از اموال فرهنگی در هنگام درگیری مسلحانه دخیل است. وزارت آموزش و پرورش می‌بایست جوانان را برای آشنایی با اصول حقوق بین‌المللی بشردوستانه و نظام بین‌المللی حقوق بشر آماده نماید. برای رفع مشکلات افرادی که در طول درگیری مسلحانه

### در نهایت عالیترین مقامات، مسوول متابعت از قانون هستند.

شده‌اند. در حالیکه رهبران سیاسی و مقامات عالی‌رتبه سلسله مراتب حاملین سلاح، مسوولیت کلی را به عهده دارند، مسوولیت‌های خاصی نیز در این زمینه متوجه رده‌های دیگر، براساس مسوولیت‌ها و عملکردهایشان می‌باشد.

تدابیر، ابزارها و راهکارهای دقیقی برای انجام تعهدات قانونی از جمله ترویج گسترده و جلوگیری و سرکوت موارد نقض باید اتخاذ گردند. مسوولیت نهایی این امر آشکارا برعهده بالاترین مقامات است. این امر به طور گسترده و صریحی در معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه و نظام بین‌المللی حقوق بشر وضع

### حقوق بین‌المللی بشردوستانه

پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو مصوب ۸ جون ۱۹۷۷ بر این تکلیف افزوده است. پروتکل در میان مسایل دیگر، پیش‌بینی کرده است که طرف‌ها باید "بدون تاخیر تمامی تدابیر لازم را برای اجرای تعهدات خود، اتخاذ نمایند" و "دستورات و آموزش‌هایی را برای تضمین مراعات و نظارت بر اجرای آنها صادر کنند" (ماده ۸۰). "هر مقام [...] نظامی [...] باید کاملاً از متن قانون آگاهی داشته باشد." (بند ۲ ماده ۸۳)؛ و "فرماندهان متناسب با سطح مسوولیت‌هایشان اطمینان حاصل نمایند که اعضای نیروهای مسلح تحت فرمانشان از تکالیف خود آگاه هستند" (بند ۲ ماده ۸۷). پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه داخلی، تصریح دارد که مفاد آن "باید به وسیع‌ترین نحو ممکن ترویج گردد" (ماده ۱۹). این تعهد مانند تعهد رعایت قانون تنها محدود به نیروهای دولتی نشده بلکه بر تمامی گروه‌های مسلح شرکت‌کننده در درگیری مسلحانه اعمال می‌شود.

از گذشته در کنوانسیون‌های مختلف مسوولیت دولت‌ها به روشنی به رسمیت شناخته شده‌اند. بنابراین، برای نمونه، با تصویب چهارمین کنوانسیون لاهه در خصوص مقررات و عرف‌های جنگ زمینی مصوب ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، دولت‌ها تعهد نمودند که "به نیروهای مسلح خود تعلیماتی دهند که مطابق با قواعد مربوط به مقررات و عرف‌های جنگ زمینی، پیوست کنوانسیون" باشند. (ماده ۱) کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ نیز به مسوولیت دولت‌ها اشاره دارند. علاوه بر ضرورت کلی "رعایت و تضمین رعایت کنوانسیون‌های حاضر در هر شرایط" (ماده ۱)، مواد دیگر به تکلیف "ترویج این اسناد به گسترده‌ترین نحو ممکن" و گنجاندن "مطالعه این اسناد در برنامه‌های آموزشی نظامی" اشاره دارند. به طور دقیق‌تر کنوانسیون سوم ژنو مقرر می‌نماید "هر نظامی یا مقام دیگری که در زمان جنگ مسوولیت‌هایی در قبال اسرای جنگی برعهده دارد، باید "به طور خاص آموزش ببیند." (ماده ۱۲۷)

سلاح به چنان نحو گسترده‌ای به رسمیت شناخته شده که به صورت عرف درآمده است.

تعهد ترویج حقوق بین‌المللی بشردوستانه و ارائه دستورالعمل در این خصوص به حاملین

### نظام بین‌المللی حقوق بشر

زندانی شدن قرار گرفته، گنجانده شود" (ماده ۱۰). به موجب کنوانسیون حقوق کودک، دولتهای عضو "تعهد نموده‌اند که با ابزارهای متناسب و عملی اصول این مقررات را به طور گسترده، گسترش دهند." (ماده ۴۲) ارجاعات کلی در خصوص مسوولیت‌های رهبران هم چنین در اسناد مربوط به "حقوق نرم" مانند اصول بنیادین سازمان ملل در مورد استفاده از زور و سلاحهای گرم توسط مقامات مجری قانون یافت می‌شود که برای مثال مقرر می‌دارد اصول بنیادین این سند "باید توسط دولتها در نظر گرفته شده و در چارچوب قانونگذاری ملی و در عمل مورد احترام قرار گرفته و مورد توجه مقامات مجری قانون و همچنین دیگر افراد مانند قضات، دادستانها، حقوقدانان، اعضای دستگاه‌های اجرایی، قانونگذار و مردم قرار گیرد" (مقدمه).

اسناد حقوق بشری حاوی ارجاعات متعددی به مسوولیت دولتها در اجرای معاهدات بین‌المللی هستند. برای نمونه، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ بیان می‌دارد که "هریک از دولتهای عضو . . . تعهد می‌کند اقدامات لازم را . . . برای تصویب قوانین و اتخاذ تدابیر لازم به منظور اثر بخشی به حقوق به رسمیت شناخته شده در میثاق حاضر، انجام دهد." (ماده ۲) کمیته حقوق بشر سازمان ملل، برای مشخص کردن اینکه "تدابیر دیگر" به چه معناست، در نظریه عمومی شماره ۳۱ خود به ضرورت "اتخاذ تدابیر قانونی، قضایی، اداری، تربیتی و دیگر تدابیر متناسب در جهت اجرای تعهدات قانونی دولتها" اشاره دارد. (بند ۷) به طور مشابه، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز ۱۹۸۴ مقرر می‌دارد هر یک از کشورهای عضو باید تضمین نماید که "تمامی اشکال شکنجه به موجب قوانین کیفری، جرم محسوب شوند" (ماده ۴) و "آموزش و اطلاع‌رسانی در مورد ممنوعیت شکنجه به طور کامل در آموزش کارکنان نظامی یا غیر نظامی، مجریان قانون، کارکنان پزشکی، مقامات عمومی و دیگر افراد دخیل در امر حفاظت، بازجویی یا برخورد با هر شخصی که موضوع هرگونه نوع بازداشت یا دستگیری یا

### تجاوز به قانون رخ می دهد. دانش به تنهایی تضمین گر اجرا نیست.

همزمان رخ می دهند؛ که شامل عدم مهارت، نگرش های غلط، رفتارهای اشتباه، فقدان تجهیزات کافی یا فقدان تمایل و خواست، دانش و درک ناقص از قانون (مفاد، محدوده و غایت قانون) و فقدان ضمانت اجرایی موثر برای نقض می گردد.

روشن است که دشواری مساله در این نیست که مردم به قانون آشنایی ندارند؛ مشکل تبدیل دانسته ها به رفتارهای مناسب است.

علیرغم وجود مجموعه ای کامل از قواعد بین المللی با هدف تنظیم توسل به زور، باید دانست که نقض حقوق بین المللی بشردوستانه و حقوق بین المللی بشر به طور مرتب رخ می دهد. عملاً تمامی حاملین سلاح مرتکب چنین موارد نقضی می شوند، حتی آنهایی که دارای تجربیات طولانی بوده و آموزش های پیچیده را گذرانده اند.

البته تنها رفتارهای منفی خبرساز می شوند، در نتیجه غیرممکن است که میزان رفتارهای قانونی، تعیین شود. با این حال تکلیف حاملین سلاح بر رعایت قانون و تضمین رعایت آن همچنان وجود دارد. به علاوه علیرغم وقوع نقض، قانون ابزار مرتبط و مهم برای حمایت از افراد در شرایط درگیری مسلحانه و خشونت داخلی می باشد.

برای تعیین معیارها، ابزارها و راهکارهای لازم برای جلوگیری از وقوع رفتارهای غیرقانونی، درک دلایل نقض، بسیار مهم است. اغلب گفته می شود که نقض به علت فقدان آگاهی از قانون قابل اعمال، رخ می دهد. اما تجزیه و تحلیل عمیق رفتار حاملین سلاح نشان می دهد که چنین نقض هایی همچنین توسط افراد آگاه و حتی طرفدار اصول بنیادین حقوقی، ارتکات می یابند.

تجربه نشان داده است که عدم موفقیت در مراعات هنجارهای ضروری حقوق بین المللی بشردوستانه و نظام بین المللی حقوق بشر در عمل به عوامل متعددی بستگی دارد، که اغلب



**بخش دوم**

**تلفیق حقوق**

### برای پیشگیری از نقض، قانون باید به بخش لاینفکی از هدایت عملیات تبدیل شود.

بشر باید به طور نظاممند، در عقاید علما یا نظامنامه‌ها درت یا حتی نقل قول شده یا از این ایده دفاع شود که هر حامل سلاحی باید با برخی از موضوعات پیچیده حقوقی به راحتی کنار بیاید. قانون مرتبط باید در تدابیر، ابزارها و راهکارهای دقیق -در سطوح دکترین، آموزش، پرورش و تجهیزات و/یا در مجازات‌ها- منعکس شود تا منجر به تبعیت از قانون گردد.

قانون عملاً مجموعه‌ای از قواعد عام است؛ گاهی به آن حد که استفاده از آن به عنوان راهنمای رفتارهای واقعی در زمان جنگ یا اجرای قانون ممکن نیست. بنابراین ضروری است که قانون تفسیر شده، مفاهیم عملیاتی آن تجزیه و تحلیل گردیده و پیامدهای آن در تمام سطوح شناخته شوند (به بخش بعد نگاه کنید).

تصویب معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه و نظام بین‌المللی حقوق بشر و اجرای آنها در حقوق داخلی، اقدامات لازم و ضروری برای متابعت از این اسناد است. ترویج مفاد این اسناد به وسیع‌ترین نحو ممکن، یکی از عوامل مهم در ایجاد محیط مساعد برای عملکرد قانونی است.

با این حال، این اقدامات به تنهایی کافی نیستند. عملکرد حاملین سلاح در طول عملیات توسط چهار عامل اصلی شکل می‌گیرد: (۱) دکترین، (۲) آموزش (۳) پرورش و تجهیزات (۴) ضمانت اجرا. در نتیجه به منظور تطبیق عملیات با قانون، قانون می‌بایست بخش لاینفکی از هر چهار عامل باشد. این همان چیزی است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آن را فرآیند "تلفیق" می‌نامد.

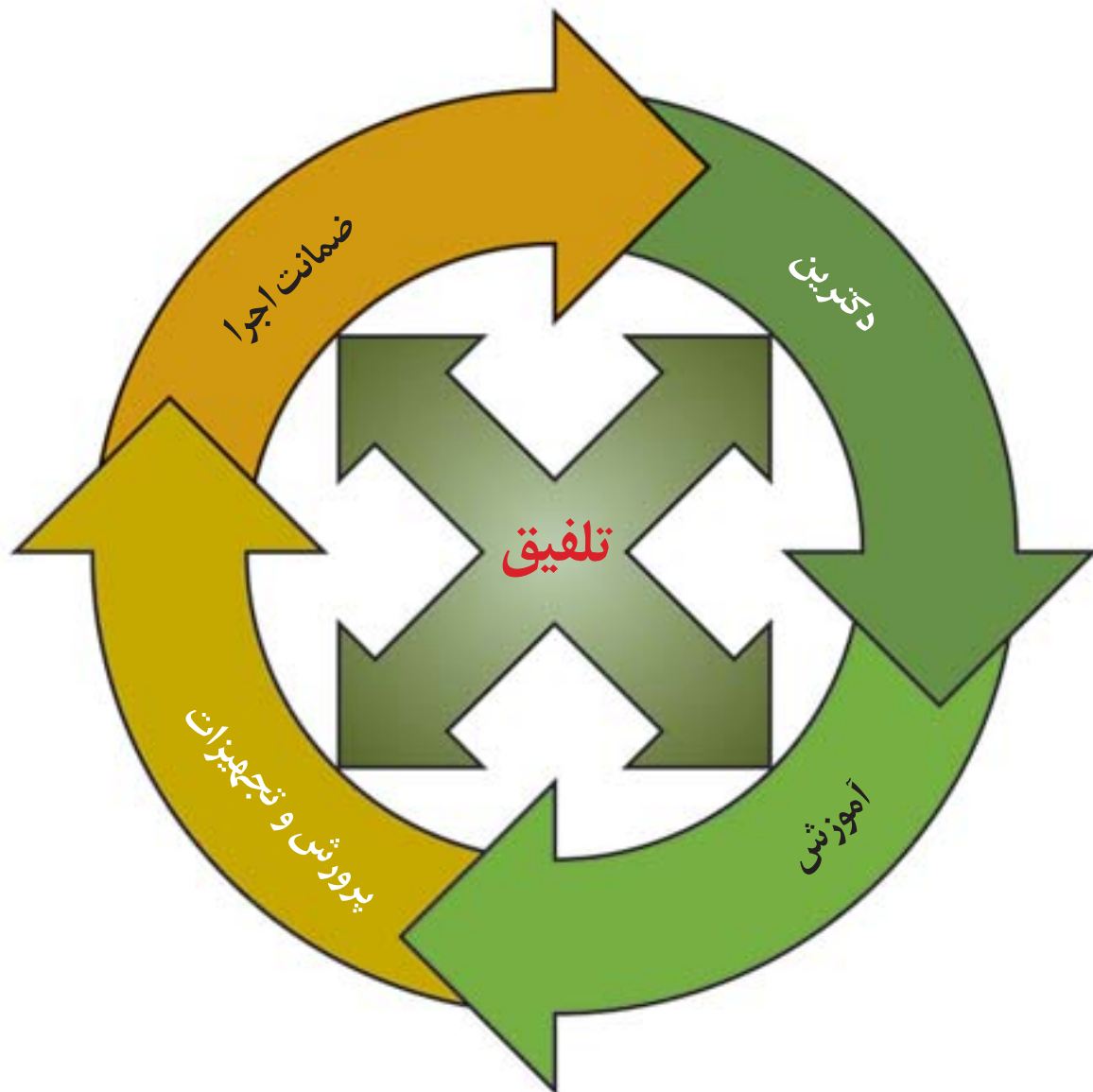
این امر بدان معنی نیست که مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه یا نظام بین‌المللی حقوق



### عوامل کلیدی برای تلفیق

تجدید نظر منظم در تمام عوامل را لازم می‌دارد. ضمانت اجراها نیز باید اجرا و به طور منظم تغییر یابند. در نتیجه تلفیق قانون، در کل، روندی دائمی و پایان ناپذیر است.

دکترین، آموزش، پرورش و تجهیزات عمیقاً به هم وابسته و دائماً در حال تغییرند به نوعی که چرخه‌ای را ایجاد می‌کنند. تجارت به دست آمده از عملیات‌های مختلف و تغییرات در قانون، تجهیزات و ماهیت تهدیدها و ماموریت‌ها،



## اقدام

باید در دکترین، آموزش، پرورش، تجهیزات و/یا در سطح ضمانت اجرا انجام شوند، برای اطمینان خاطر از متابعت از قانون بسیار ضروری است.

در مورد چگونگی اعمال حقوق بین‌المللی بشر دوستانه و نظام بین‌المللی حقوق بشر در عملکرد هر روزه پرسش‌های بسیاری وجود دارد. دانستن مفاهیم عملیاتی هر قاعده و شناسایی اقداماتی که روند تبدیل قواعد حقوقی خاص به مفاهیم عملیاتی آن در جدول زیر نمایان شده است:

### پیامدها

تدابیر، ابزارها و راهکارهایی که باید توسط دکترین، آموزش، پرورش و تجهیزات و یا سطوح ضمانت اجرا برای تضمین متابعت اتخاذ شوند.

### مفاهیم عملیاتی

### قاعده حقوقی



### تمایل سیاسی و وجود ظرفیت پیش شرطهای تلفیق قانون هستند.

نداشته باشند روند تلفیق قانون، ناقص و احتمالاً بی اثر خواهد بود. در کل، این روند در درون ساختار و به وسیله منابع موجود انجام می شود و در نتیجه هزینه سنگینی در بر نداشته، نیازی به افزایش قابل توجه زمان آموزش و پرورش نبوده و ضروری نیست که شمار متریبان، اساتید و یا آموزش دهندگان افزایش یابد. این روند در زمان صلح و یا هنگامیکه درگیری های مسلحانه به شدت بالایی نرسیده اند، راحت تر اجرا می شود. زمانیکه حاملین سلاح، برای عملیات جنگی فراخوانده می شوند، الزاماً اولویت های دیگری جایگزین این امور دراز مدت خواهد شد.

تلفیق قانون روند میان مدت تا بلندمدتی است که مستلزم وجود نگرش راهبردی و جهانی در مورد مضامین این روند برای سازمانهای مرتبط می باشد: در نتیجه متعهد شدن بالاترین سطوح حاملین سلاح ضروری است. بنابراین در نتیجه روندی از بالا به پایین بوده و فراتر از پذیرش ضرورت ترویج، آموزش یا برگزاری دوره های حقوقی می باشد: این تعهد باید به تمام سطوح فروتر انتقال یافته بگونه ای که پیروی از قانون، اولویت اصلی آن نهاد باشد. اقدامات می بایست پشتیبان کلمات بوده و همگام با اجرا، این تعهدات باید به طور مرتب مورد بازنگری قرار گیرند تا ثبات و دوام این روند تضمین شود. برای موفقیت تلفیق، محیط مساعد ضروری است. توانایی حاملین سلاح برای انجام این روند به برخی ضروریات اولیه اما دشوار بستگی دارد: قانونگذاری ملی منطبق با مقررات مرتبط حقوق بین المللی، قوانین کیفری برای پیشگیری، بازداشت و زندانی کردن متخلفین، زنجیره فرماندهی موثر و ضمانت اجراهای داخلی، ساختار آموزشی و پرورشی ثابت، دکتترین مشترک؛ بدون توجه به نام و شکل آن. برای حاملین سلاح، دارا بودن این نوع ساختار ابتدایی، به چهار عاملی ارتباط دارد که نحوه رفتار در عمل را شکل می دهد (دکتترین، آموزش، پرورش، تجهیزات و ضمانت اجرا). در صورتی که یک یا چند عامل ضعیف بوده و یا وجود

### اجرای یک برنامه، عامل کلیدی در پیشبرد تلفیق است.

است. بنابراین می‌بایست همواره مورد حمایت سلسله مراتب باشد.

تلفیق به عنوان یک روند از بالا به پایین چندرشته‌ای بالاترین مقامات دولت را درگیر می‌کند، از جمله رهبران ملی و شماری از وزرا به غیر از وزرای دفاع، امنیت و کشور (نگاه کنید به بخش ۱). در میان حاملین سلاح، تمامی سطوح زنجیره فرماندهی می‌بایست در این روند دخیل باشند؛ از سطوح استراتژیک گرفته تا تاکتیکی. فرماندهان عالی‌رتبه، باید صحنه را با تاکید بر گنجاندن قانون در تمام برنامه‌ها، سازمان‌دهی‌ها و رزم‌ها یا عملیات اجرای قانون، تنظیم نمایند. این امر به طور طبیعی با صدور دستورالعمل اجرایی مکتوت محقق می‌شود. با این حال صدور دستورالعمل به تنهایی کافی نیست. این دستور می‌بایست به یک برنامه واقعی، پروژه و یا برنامه عمل تبدیل شود. به همین ترتیب، برنامه نیز نیاز به مدیریت مناسب داشته و بنابراین مقامات می‌بایست به طور رسمی یک افسر و یا یک نفر از گروه مدیران خود را برای این وظیفه، تعیین نمایند. همچنین ارزیابی مستمر موفقیت برنامه ضروری است؛ امری که اصلاح ابزارها و اهداف را در طول فرآیند امکان پذیر می‌سازد.

به دلیل آنکه تهدیدها و ماموریت‌ها در حال تغییرند و عملیات مختلف به طور دائمی حاملین سلاح را به مطابقت، آموزش دروس جدید و عمل بر طبق آن، ملزم می‌سازد، تلفیق اصولاً "روندی مداوم و اغلب بی‌پایان"



## مدیریت برنامه

مدیریت برنامه پیچیده تلفیق، مستلزم ابزارها و روشهای کلاسیک "مدیریت پروژه" است. معمولاً برنامه در یک سند رسمی تنظیم می‌شود. بر مبنای ارزیابی سطح موجود تلفیق قانون، اهداف، مسئولیتها و زمان لازم برای تحقق آن تعریف می‌شود. اقداماتی که هر ساله برای دستیابی به اهداف برنامه باید انجام شود و همچنین انتصاف افراد لازم برای مدیریت و اجرای وظایف مختلف، به تفصیل در این برنامه بیان می‌شود.

تجربه نشان داده‌است که تاسیس نهادی برای مدیریت حقوق بشردوستانه و/یا حقوق بشر عموماً روند را به جای تسریع به تاخیر می‌اندازد. بعلاوه چنین اقدامی اغلب به دور از بقیه زنجیره فرماندهی انجام شده که گاهی در همان ابتدا، پایان می‌یابد. عموماً ترجیح داده می‌شود که این مسوولیت به مدیران عملیاتی که معمولاً مسوولین امور آموزشی نیز می‌باشند، واگذار گردد.

همچنین باید یک نهاد نظارت و ارزیابی به منظور بررسی روند اجرایی و ارزیابی میزان دستیابی به اهداف جزیی، ایجاد شود: این وظیفه معمولاً متوجه بازرسان عمومی یا نهادهای مشابه است. اصلاحات در برنامه عمل با توجه به نتایج به دست آمده، می‌بایست برای تأیید، به سطوح عالی سلسله مراتب پیشنهاد گردد.

### دکترین، می‌بایست راهنمای رفتارهای قانونی باشد.

تبادل اطلاعات و هماهنگی پیش‌بینی شده باشد، به گونه‌ای که هیچ مبحثی نادیده گرفته نشده و فرماندهان تمامی اطلاعات ضروری را در زمان مناسب در اختیار داشته باشند. دستورالعمل‌های مرجع برای متخصصین و مناطق عملیاتی مختلف در سطوح متفاوت زنجیره فرماندهی، می‌بایست مرتباً مورد بازنگری قرار گرفته و تطبیق یابند تا در نتیجه آن دستورات، رویه‌ها و قواعد درگیری در شرایط پیچیده و گوناگون عملیاتی با حقوق قابل اعمال مطابق باشد. (برای مثال وجود اهداف نظامی در مناطق غیرنظامی، حفظ نظم و قانون در زمان تظاهرات خشونت‌آمیز)

در اینجا، دکترین تمامی اصول استاندارد است که صرف نظر از شکل آن اقدامات حاملین سلاح را در سطح استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی هدایت می‌کند. بنابراین تمام رهنمودها، سیاست‌ها، رویه‌ها، قوانین راهبردی و دستورالعمل‌های مرجع و یا مشابه آن که حاملین سلاح در طول تصدی به حرفه خود بر طبق آن آموزش دیده، به گونه‌ای که تبدیل به زبان مشترک شده و روند تصمیم‌گیری، تاکتیکها و رفتار عملیاتی را شکل می‌دهد، شامل این مفهوم می‌گردد.

تلفیق در دکترین تنها با گنجاندن یا نقل قول قواعد و اصول قانون حاکم در مجموعه قوانین، دستورالعمل‌ها و رویه‌ها میسر نمی‌گردد؛ اصول مرتبط حقوق و همچنین ابزارها و راهکارهای احترام به اشخاص و اموال مورد حمایت خاص، می‌بایست جزء لاینفک و طبیعی دکترین باشد. بازنگری در دستورالعمل‌ها و رویه‌های مرتبط به روند تصمیم‌گیری برای پیروی از قانون ضروری است. پیچیدگی چالش‌های ناظر بر اجرای قوانین جدید یا مباحث جنگی با مسوول دانستن یک مقام برای پیروی از حقوق بین‌المللی بشردوستانه یا نظام بین‌المللی حقوق بشر مغایر است. در هر مساله عملیاتی و تاکتیکی، همه افراد منصوبت (کارکنان، نیروهای اطلاعاتی، عملیاتی، تدارکات) باید از چگونگی انجام وظایف خود مطلع باشند. همچنین اطمینان از این امر ضروری است که در تشریفات تصمیم‌گیری، راهکارهای لازم برای



قاعده حقوقی

مفاهیم عملیاتی

پیامدها

حملات زیر به عنوان حمله کورکورانه تلقی می‌شوند: (ت) حمله‌ای که انتظار می‌رود باعث تلفات تصادفی غیرنظامیان، مجروح شدن غیرنظامیان، خسارت به اموال غیرنظامی یا ترکیبی از آنها شده، که از مزیت نظامی دقیق و پیش بینی شده مستقیم ناشی از حمله بسیار بیشتر باشد. پروتکل الحاقی اول، بند (ت) ۵ ماده ۵۱.

چگونه می‌توان خسارت تصادفی و مزیت نظامی پیش‌بینی شده را ارزیابی کرد؟ چگونه می‌توان هر یک را در ارتباط با دیگری سنجید؟ چگونه می‌توان میان این دو تعادل برقرار ساخت؟ چگونه می‌توان اطمینان یافت که این امر در هر تصمیم‌گیری لحاظ می‌شود؟

دکترین می‌بایست موارد ذیل را مقرر نماید:  
- تعاریفی از مزیت نظامی و خسارات تصادفی؛  
- ابزارهای ارزیابی آنها در زمانی که انتخابی میان روش‌های عملیاتی مختلف پیش‌روست؛  
- راهکارهایی برای دستیابی به تعادل موثر و توصیه‌هایی برای فرماندهان در طول پروسه تصمیم‌گیری.  
- تدابیری برای حفظ تعادل و تصمیمات.  
- مسئولیت‌های خاص مامورین اطلاعاتی و افسران عملیاتی یا دیگر افراد درگیر در این خصوص.



### قاعده حقوقی

مامورین اجرای قانون فقط در زمانی می توانند به زور متوسل شوند که برای اجرای تکالیف شان اکیداً ضروری است.  
(اصول بنیادین برای ماموران مجری قانون، ماده ۳)

### مفاهیم عملیاتی

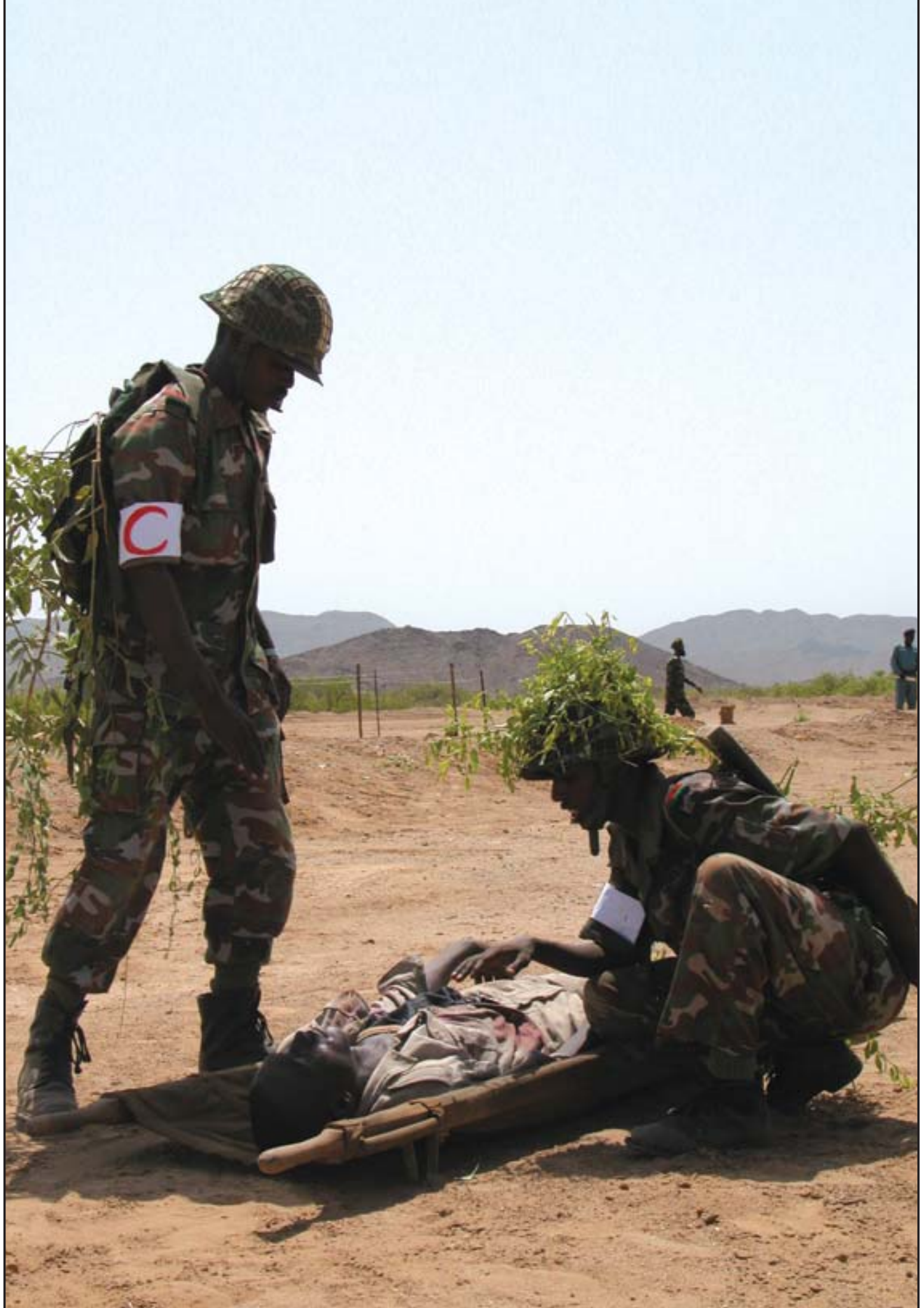
در چه اوضاع و احوالی می توان به زور متوسل شد؟  
چگونه توسل به زور برای تضمین واکنش تدریجی و متناسب اعمال می شود؟  
چگونه می توان میان ضرورت و تناسب تعادل برقرار کرد؟

### پیامدها

سیاست ها و رویه ها می بایست موارد ذیل را مقرر نمایند:  
- تعاریفی از اصل ضرورت و اوضاع و احوالی که در آن توسل به زور مجاز شمرده شده است؛  
- ابزارها و راهکارهایی که در روند تصمیم گیری، تعادل موثری میان ضرورت و تناسب را ممکن می سازد؛  
- تدابیری برای حفظ تعادل و تصمیمات؛  
- مسوولیت های خاص در سطوح مختلف زنجیره فرماندهی با توجه به ارزیابی شرایط و تشدید توسل به زور در مقابل آن.









## ۵-۲- تلفیق در زمینه آموزش

ابزارها و راهکارهای پیروی از حقوق می‌بایست به بخش لاینفکی از طرز تفکر تبدیل شوند.

می‌شود، باید به بخشی از طرز تفکر تبدیل شود. این امر بدان معنا نیست که تمام دوره‌ها می‌بایست به قانون حاکم پرداخته یا مرتباً به آن اشاره کند. در موارد ممکن، می‌بایست مشکلات واقعی ناظر بر پیروی از قانون در مواد درسی گنجانده شود، تا همه مقامات با چگونگی رعایت قانون در شرایط خاص، آشنا شوند.

آموزش برآماده ساختن کارکنان با دانش تئوریک در مورد آنچه باید انجام داد، متمرکز شده است. آموزش مفاد قانون حاکم، اولین اقدام در این راستاست. تعداد ساعات آموزشی و نسبت آموزشهای تئوری به عملی می‌بایست متناسب با نیازهای مخاطبین، مقام، خدمت، شاخه و شغل آنها باشد. آموزش باید تا سرحد ممکن عملی و واقعی باشد، اما امکان تطبیق روش‌ها با توجه به رده و سطح مخاطبان، میسر است. صرف وجود آگاهی نسبت به قانون کافی نیست؛ تدابیر، ابزارها و راهکارهای تبعیت از قانون در همان حالیکه توسط دکتترین و رویه‌ها اصلاح



قاعده حقوقی

در هدایت عملیات نظامی، باید برای جدا کردن جمعیت غیرنظامی، غیرنظامیان و اموال غیرنظامی مراقبت دائم اعمال شود. (پروتکل اول الحاقی، بند ۱ ماده ۵۷)

مفاهیم عملیاتی

جمعیت غیرنظامی، غیرنظامیان و اموال غیرنظامی چه هستند؟ چه تدابیر دقیقی برای احترام به آنان باید اتخاذ گردد؟ چگونه می توان از اعمال این تدابیر در هرزمانی اطمینان حاصل نمود؟

پیامدها

آموزش می بایست دانش تئوریک در این موارد را فراهم آورد:  
 - جمعیت غیرنظامی، غیرنظامیان و اموال غیرنظامی "دقیقاً چه کسانی هستند؛  
 - مسوولیت های زنجیره فرماندهی (بر طبق سطوح و تخصص های متفاوت) برای جداسازی اشخاص و اموال مورد حمایت؛  
 - آماده سازی کارکنان برای تفکر در مورد روشهای عملیاتی جایگزین؛  
 - طراحی و اجرای عملیات برای حمایت از اشخاص و اموال مورد حمایت در معرض خطر؛  
 - طراحی و سازماندهی تخلیه غیرنظامیان؛  
 - رعایت فاصله های ایمنی؛  
 - انتخات سلاحها با توجه به شرایط و ملاحظه آثار آنها به منظور تحدید خسارات احتمالی.





### قاعده حقوقی

هر فرد دارای حق آزادی و امنیت شخصی است. هیچ کس را نمی‌توان به‌طور خودسرانه دستگیر یا بازداشت نمود. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در شرایط خاص و با تشریفات که در قانون مقرر شده است. (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۹۱)

### مفاهیم عملیاتی

تحت چه شرایطی آزادی محدود می‌گردد؟ چگونه می‌توان از خودسرانه نبودن دستگیری و بازداشت، اطمینان حاصل نمود؟ چگونه می‌توان تعادلی میان توسل به زور و حق امنیت فردی برقرار کرد؟

### پیامدها

آموزش می‌بایست دانش تئوریک را در زمینه‌های زیر فراهم آورد:  
- شرایط و اوضاع و احوالی که تحت آنها دستگیری و بازداشت قانونی هستند؛  
- عناصر دستگیری و بازداشت غیرقانونی کدام است؛  
- برای حصول اطمینان از اینکه دستگیری و بازداشت خودسرانه نبوده‌است، از چه تشریفات به موجب قانون، باید پیروی شود؛  
- مسوولیتها در طول زنجیره فرماندهی و منطبق با تکالیف تخصصی ناظر بر محرومیت از آزادی؛  
- ابزارها و روشهایی برای تجویز دستگیری و بازداشت قانونی و همچنین حفظ این اقدامات.



### پرورش باید شامل محتویات حقوق بین المللی بشر دوستانه و نظام بین المللی حقوق بشر به شکل واقعی باشد.

بینانه بوده و تا آن حد که برای موفقیت عملیات آینده تنظیم شده به همان حد مطابق قانون باشد، تردید اندکی وجود دارد.

کارآمدی پرورش باید به طور مداوم ارزیابی شود. نحوه رفتار در طول عملیات، آخرین آزمایش خواهد بود، اگرچه بازنگری اقدامات بعد از عملیات، ابزار کلیدی برای ارزیابی کارآمدی ابزارها و راهکارهای موجود است اما دروس آموخته شده در آموزش و تمرینات روزانه نیز از اجزای ضروری تشکیل دهنده روند ارزیابی هستند. در صورتیکه نتیجه تربیت نشانگر این باشد که ابزارها و راهکارهای موجود در روند تلفیق، برای قادر ساختن کارکنان به رعایت قانون کافی نیستند، لازم است تدابیر اصلاحی در سطح دکترین و آموزش اتخاذ گردد و پرورش نیز بر اساس آن اصلاح شود.

پرورش حاملین سلاح بر آماده سازی کارکنان با تجربیات عملی در زمینه چگونگی ایفای عملکردها در عین پیروی از قانون، متمرکز شده و افسران، کارکنان غیرموظف، دسته ها و رده های مختلف را قادر می سازد مهارت و تجربه لازم را کسب نموده تا منجر به عکس العمل صحیح شده به نحوی که ملکه ذهن شود. این امر تنها در صورت تکرار تمرین قابل دستیابی است و مناسب ترین و موثرترین شخص برای تلقین چنین رفتاری، مافوق مستقیم است.

گنجاندن اصول حقوقی به واقع بینانه ترین روش ممکن در آموزش روزمره و در کنار ابزارها، روش ها و راهکارهای پیروی از قانون مقرر در دکترین، تاکتیکها و رویه های بازنگری شده، از اهمیت بالایی برخوردار است. اضافه نمودن چند ساعت در مورد حقوق بین المللی بشر دوستانه یا نظام بین المللی حقوق بشر به برنامه موجود آموزشی، بدون اصلاح محتوای آن بی تاثیر خواهد بود.

ثابت شده که تمرین عملی موثرترین روش آموزشی است. این روش، شرکت کنندگان را قادر می سازد که تقریباً ۹۰٪ از محتوای آموخته ها را تا هفته ها بعد نیز به خاطر داشته باشند. نسبت آموزش های تئوری و عملی در هر سطح از سلسله مراتب با توجه به رده و مسئولیت فراگیران تعیین می شود؛ اما در مورد اینکه آموزش باید تا حد ممکن عملی و واقع

### قاعده حقوقی

اسرای جنگی باید در سریع‌ترین زمان ممکن پس از دستگیریشان برای دور ماندن از خطر، به اردوگاه‌هایی که به اندازه کافی از منطقه جنگی دور است، منتقل شوند.

تنها اسرای جنگی مجروح یا بیماری را که ممکن است انتقال آنها از ماندنشان در جایی که هستند خطرناک‌تر باشد، می‌توان موقتاً در پشت منطقه خطر نگهداشت. اسرای جنگی نباید به نحو غیر ضروری در حالیکه منتظر تخلیه از منطقه آتش هستند، در معرض خطر قرار گیرند.

(کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۹)

### مفاهیم عملیاتی

نیروها این تکالیف را چگونه باید انجام دهند؟

آیا تشکیلات مادون (پایین تر) تکالیف خود را به نحوی که رده های بالاتر انتظار دارند انجام می‌دهند؟

چگونه ملاحظات جنگی با ملاحظات تدارکاتی و پزشکی هماهنگ می‌شوند؟

آیا روشهای مقرر در دکترین، عملی و واقعی هستند؟

### پیامدها

تمامی تمرینات - در منطقه، روی نقشه و یا به کمک کامپیوتر - باید شامل طی کردن مراحل مربوط به اسرای جنگی باشد به نحوی که مقامات در سطوح مختلف تجربه عملی لازم برای انجام صحیح تکالیف خود در زمان فشار را کسب کرده باشند.

بر این اساس:

- نیروهای رزمی پایین‌ترین سطوح باید قادر به دستگیری اسرای جنگی باشند؛

- استقرار پایگاه‌های جمع‌آوری باید تمرین شده و به کار رود.  
- نیروهای پشتیبانی باید قادر باشند که تشریفات مربوط به اسرا را به نحو موثر انجام دهند.

- تمامی مراحل باید به بخشی از ارزیابی روند آموزش دروس تبدیل گردد؛ امری که منجر به اتخاذ تدابیر اصلاحی یا بهبود روش‌ها در دکترین و سطوح آموزشی می‌گردد.

### قاعده حقوقی

افسران مجری قانون در پراکنده کردن اجتماعات غیر قانونی اما عاری از خشونت باید از توسل به زور خودداری کنند، در جاییکه این امر امکان پذیر نباشد، توسل به زور باید به حداقل میزان ضروری محدود شود. (قواعد بنیادین در توسل به زور و سلاحهای گرم برای افسران اجرایی - ماده ۱۳)

### مفاهیم عملیاتی

افسران مجری قانون چگونه می‌توانند بدون توسل به زور اجتماعات غیرقانونی عاری از خشونت را پراکنده نمایند؟ در فرض توسل به زور، میزان "حداقل" و "ضروری" در اوضاع و احوال مختلف چیست؟ آیا ابزارها و راهکارهای پیش بینی شده در سیاست‌ها، تشریفات و آموزش امکان واکنش قانونی را ممکن می‌دارد؟

### پیامدها

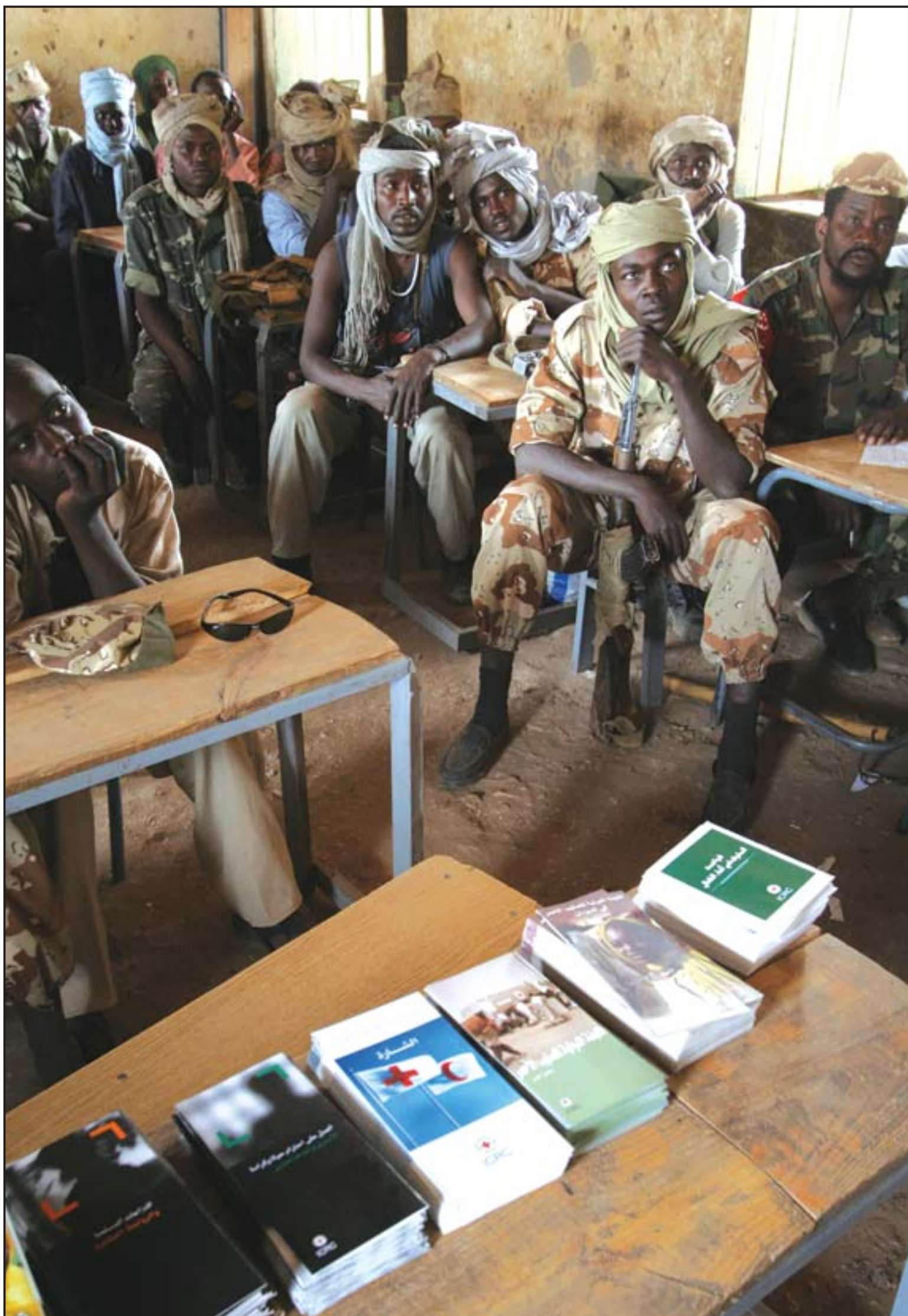
پرورش باید چگونه ای باشد که مجریان قانون را قادر سازد تجارت عملی لازم را برای انجام وظایف خود در شرایط تحت فشار انجام دهند.

بر این اساس:

- افسران باید بتوانند از ابزارهای صلح‌آمیز در دسترس استفاده کنند (برای نمونه مذاکره، ترغیب، طراحی راه‌های فرار برای اجتماع مردم):

- افسران سطوح پایین باید بتوانند از انواع ابزارهای توسل به زور در اختیار خود به نحو مقتضی و متناسب با تهدید استفاده کنند؛  
- تمامی مراحل باید به بخشی از ارزیابی روند آموزش دروس تبدیل گردد؛ امری که منجر به اتخاذ تدابیر اصلاحی یا بهبود روش‌ها در دکتترین و سطوح آموزشی می‌گردد.







### تجهیزات باید واکنش قانونی در هر شرایطی را ممکن سازد.

باید در طول تمرینات تا حد امکان نزدیک به واقعیت، آزمایش شوند. علاوه بر مساله سلاح، انجام تمرینی که در آن کارکنان به جستجو، تیمار و تخلیه مجروحان در طول و پس از عملیات می پردازند، بیانگر کفایت و تناسب ابزارهای واحد پزشکی خواهد بود. برای نمونه ممکن است ثابت شود استفاده از آمبولانسهای چرخدار برای مناطقی که توسط ماشینهای سنگین مانند تانکهای جنگی بزرگ، تخریب شده اند یا جایی که کوچه مملو از باقیمانده آوار و خرابیهای یک شورش است، مناسب نمی باشند.

تجهیزات، اموال لازم را برای کارکنان جهت انجام ماموریت مطابق قانون فراهم می سازد. سطوح بالای فرماندهی باید ابزارها و روشهای قانونی برای کارکنان فراهم کنند. بنابراین این رده فرماندهی مکلف به تشخیص آن است که آیا بکارگیری اسلحه ای خاص (یعنی خود سلاح و روش استفاده از آن) در برخی یا تمام شرایط، توسط حقوق بین المللی بشردوستانه یا نظام بین المللی حقوق بشر، محدود یا ممنوع گردیده یا خیر. به منظور بررسی اینکه تجهیزات امکان پیروی از قانون را فراهم می سازد یا خیر، این تجهیزات



قاعده حقوقی

مفاهیم عملیاتی

پیامدها

به کارگیری سلاحها، پرتابهها، مواد و روشهای جنگی با ماهیتی که باعث ایراد جراحات بیش از حد یا درد و رنج غیر ضروری می شود، ممنوع است.  
(بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی)

هدف نظامی مورد نظر یا مزیت نظامی مورد انتظار چیست؟  
چه نوع جراحی وارد می شود؟  
بر مبنای پاسخ دو پرسش فوق، آیا جراحی وارده بیش از حد یا درد و رنج غیر ضروری تلقی می شود؟  
چه صلاحیت ویژه‌ای برای تعیین آن لازم است؟  
چه کسی درباره قانونی بودن ابزارها و روشها پیش از معرفی آنها تصمیم گیری می کند؟  
چه کسی تضمین می کند که ابزارها و روشهای قانونی تغییر نیافته اند؟

یک راهکار بازنگری با ویژگی های عمده زیر باید ایجاد شود:  
- مسوولیت نهایی ممکن است بر عهده یک فرد یا کمیته تاسیسی توسط قانون، آئین نامه، بخشنامه اداری، دستورالعمل یا اصول راهنما قرار گیرد؛  
- این فرد یا کمیته روند تصمیم گیری و بازنگری را مشخص می کند؛  
- پاسخگویی به وزارت دفاع یا یک نهاد بین وزارتی؛  
- بازنگری به وسیله نمایندگان بخشها و ادارات مختلف انجام می شود؛  
- گزارشها به طور منظم ضبط شوند.  
علاوه بر بازنگری ابزارهای جنگی، زنجیره فرماندهی مسوول اطمینان از این امر است که نیروها، ابزارها را تغییر نداده و یا آنها را به طریقی غیرقانونی استفاده نمی کنند.

### قاعده حقوقی

مقامات مجری قانون، در اجرای تکالیف خود، باید تا سر حد امکان پیش از توسل به زور و سلاحهای گرم، از ابزارهای عاری از خشونت استفاده کنند. این افراد تنها زمانی که سایر ابزارها بی تاثیر بوده و یا دستیابی به نتیجه مورد نظر با استفاده از این ابزارها حاصل نشود، می توانند به زور و سلاح گرم متوسل شوند.

(ماده ۴- اصول بنیادین در توسل به زور و سلاحهای گرم توسط مقامات مجری قانون)

### مفاهیم عملیاتی

ابزارهای بدون خشونتی که افسران را قادر به تاخیر توسل به زور یا سلاح گرم می سازد، کدامند؟ چه تدابیری با چه جراثمی متناسب است؟  
یک افسر منطقی چه تعداد ابزار می تواند حمل کند؟

### پیامدها

افسران مجری قانون باید به تجهیزات زیر دسترسی داشته باشند:

- لوازم حفاظتی متناسب و دیگر تجهیزات برای به تاخیر انداختن توسل به زور و سلاح گرم؛  
- انواع ابزارهای عاری از خشونت کنترل وضعیت و ابزارهای ارتباط با افسران و مجرمان؛

- انواع ابزارهای مختلفی که افسران را به واکنش تدریجی و به شیوه متناسب قادر می سازد. افسران باید از آثاری ناشی از ابزارهای مختلفی که در اختیار دارند آگاه باشند.

افسرانی که به تنهایی عمل می کنند تمامی انواع ابزارها را در اختیار ندارند. بنابراین این افراد باید قادر به برقراری ارتباط باشند و بر سایر تکنیکها از جمله مذاکره و حل و فصل اختلاف تسلط داشته باشند.

افسرانی که به صورت گروهی عمل می کنند، باید به طور فردی یا گروهی بر ابزارهای مختلف در اختیار تسلط داشته باشند.



## ۸-۲- ضمانت اجرای موثر

### ضمانت اجرا باید قابل رویت، قابل پیش بینی و موثر باشد.

محقق می‌شود. درحالی‌که بی‌تردید تدابیر کیفری ضروری هستند، اما باید توسط مجازات‌های انضباطی موثر در تمامی سطوح زنجیره فرماندهی پشتیبانی شوند. این تدابیر اداری که عملاً "تحت مسوولیت مقام مافوق مستقیم قرار دارند، واجد دو مزیت مهم می‌باشند: اجرای سریع و قابل رویت بودن برای افراد هم‌درجه فرد خطاکار. در نتیجه تاثیر بازدارنده این تدابیر، فوری بوده و مانع از آن می‌شود که رفتار غیر قابل قبول مورد تسامح قرار گرفته یا پذیرفته شود.

ضمانت اجرا نقش پیشگیرانه مهمی ایفا می‌کند. تجربه نشان داده است که ضمانت اجرا، هرچه قابل رویت‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر باشد، اجرای آن بازدارنده‌تر خواهد بود. ضمانت اجرا، مجازات افرادی را که از اطاعت از قانون سرپیچی کرده‌اند، به نحو موثری ممکن می‌سازد. بنابراین ضمانت اجرا ابزارهای اجرای فرامین و انضباط داخلی را در اختیار مقامات ارشد قرار داده و نشان می‌دهد که کل زنجیره فرماندهی در دفاع از ارزشهای بنیادین خود، راسخ است.

ضمانت اجرا از طریق تدابیر کیفری و انضباطی





بخش سوم

حمایت کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ



## ۱-۳- کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و حقوق بین‌المللی

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ پیروی از حقوق بین‌المللی بشردوستانه و سایر قواعد بنیادین حمایت‌کننده از افراد در شرایط خشونت‌آمیز را ارتقا می‌دهد.

بسیار مهم و اساسی نظام بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهد.

ماموریت منحصرأ بشر دوستانه کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ حمایت از حیات و کرامت قربانیان درگیری‌های مسلحانه و خشونت‌های داخلی و ارائه کمک به آنهاست. کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در این راه می‌کوشد از طریق ارتقا و تقویت حقوق بین‌المللی بشردوستانه و مقررات مرتبط نظام بین‌المللی حقوق بشر، مانع از ورود درد و رنج گردد.

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ وظیفه اصلی بشردوستانه خود را در ارتباط با درگیریهایی مسلحانه و ارتقای حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، از جامعه بین‌المللی با تصویب کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن کسب نموده است. اساسنامه‌های نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر به کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ حق گسترده‌تر ابتکار بشردوستانه را اعطاء نموده که کمیته را قادر می‌سازد خدمات خود را در وضعیت‌های خشونت‌آمیزی که به آستانه درگیری مسلحانه نرسیده، ارائه کند.

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ برای پرداختن به پیامدهای بشردوستانه توسل به زور در این وضعیت‌ها به کل مجموعه مقررات مختلف نظام بین‌المللی حقوق بشر استناد نمی‌کند، بلکه به قواعد بنیادین این اسناد که از افراد در وضعیت‌های خشونت‌آمیز حمایت می‌نماید، توسل می‌جوید. این قواعد بخش کوچک اما

## حق ابتکار کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ

دانش حقوق بین‌المللی بشردوستانه قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه و هرگونه تغییر و توسعه این حقوق" را برعهده کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ می‌گذارد (بند ۲ و ماده ۵). همچنین تصریح می‌دارد که کمیته "می‌تواند هرگونه ابتکار بشردوستانه را که در محدوده نقش خود بعنوان یک نهاد بی طرف و مستقل و میانجی می‌گنجد، انجام داده و می‌تواند هر مساله ای را که لازم است توسط این نهاد بررسی شود، مورد ملاحظه قرار دهد." (بند ۳ ماده ۵)

حق ابتکار کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در اساسنامه‌های نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر مندرت است. این اساسنامه‌ها مصوت کنفرانس‌های بین‌المللی هستند که هر چهار سال یک بار نمایندگان کشورهای عضو کنوانسیون‌های ژنو و سازمانهای صلیب سرخ و هلال احمر (کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، فدراسیون جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر و جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر) را گرد هم می‌آورد.

ماده ۵ اساسنامه که نقش و مسوولیت‌های کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ را در نهضت بیان می‌دارد، وظیفه "فعالیت برای درک و ترویج





## قواعد بنیادین حمایت‌کننده از بشریت

شرایط ضروری برای بقا (غذا، آت، بهداشت، پوشاک، سرپناه، مراقبت‌های پزشکی).  
۵- احترام به واحد خانواده، عدم اعمال محدودیت نامتناسب بر آن.

۶- مفقودین و خانواده‌های آنها (عدم بازداشت سری یا افشا نشده، حق دریافت اخبار خانوادگی).

۷- جابجایی افراد (عدم آوارگی یا اخراج خودسرانه، حق یافتن مکان امن و پناهجویی).

۸- محرومیت از اموال از طریق نابودی غیرقانونی یا خودسرانه و یا مصادره.

۹- دسترسی به آموزش یا محدودیت بر اعمال دینی در وضعیت اشغال یا هنگام محرومیت از آزادی.

ارائه فهرستی از تمام قواعد بنیادین نظام بین‌المللی حقوق بشر که کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به منظور انجام وظیفه بشردوستانه خود مورد استناد قرار می‌دهد، خارت از حوصله مطالب این کتابت است. اما به طور کلی این هنجارها به موارد زیر اشاره دارد:

۱- حمایت از حیات و تمامیت جسمی و روانی و کرامت انسانی (یعنی قواعد حاوی "هسته سخت" و نفرگیری کودکان).

۲- توسل به زور توسط مقامات مجری قانون (مشروعیت، مقتضی بودن، تناسب، عدم استفاده از تسلیحات ممنوعه).

۳- حق برخورداری از دادرسی منصفانه (تضمینات قضایی یا شکلی، عدم دستگیری یا بازداشت خودسرانه).

۴- تعهد و ضمانت دسترسی به حداقل







## ۲-۳- نقش کمیته ی بین المللی صلیب سرخ

مستقر نموده است. کمیته به حمل کنندگان سلاح، آموزشهای فنی عملی نمی دهد بلکه بر چارچوت حقوقی فعالیت این افراد تمرکز کرده و به آنها برای شناسایی مفاهیم عملیاتی و اقداماتی که به منظور متابعت از قانون باید صورت گیرد، یاری می دهد.

کمیته ی بین المللی صلیب سرخ هم اکنون از طریق شبکه نمایندگی های خود، از تلفیق قوانین مرتبط حاملین سلاح در سراسر جهان حمایت می کند.

کمیته ی بین المللی صلیب سرخ پس از رفع نیازها به حمایت از تلاش ها در جهت تلفیق قانون می پردازد.

آشکار است که قانون متعلق به دولتهای عضو معاهدات و نه کمیته ی بین المللی صلیب سرخ می باشد. همین مساله در مورد مسوولیت تلفیق قانون نیز صادق است.

کمیته ی بین المللی صلیب سرخ به یمن حضور طولانی در مناطق عملیاتی و گفتمانی که با مقامات و همه گونه حاملین سلاح در سراسر جهان دارد، تجارت قابل توجهی در زمینه حمایت از تلاشهای پیشگیرانه از نقض کسب کرده است. کمیته ی بین المللی صلیب سرخ با شناسایی این امر که صرف آموزش هنجارهای حقوقی به خودی خود نمی تواند منجر به تغییر رفتار یا منش گردد به تدریج از دو دهه پیش، خط مشی خود را از ترویج به سمت تلفیق تغییر داده است.

کمیته ی بین المللی صلیب سرخ هنگامی که مقامات واقعاً متعهد بوده و ظرفیت های لازم را برای تثبیت بلند مدت این روند داشته باشند، برای ایفای وظیفه حمایتی مندرت در پروتکل های الحاقی به کنوانسیون های ژنو (در ادامه خواهد آمد) یا اقدام بر مبنای حق ابتکار خود آمادگی دارد.

کمیته ی بین المللی صلیب سرخ برای ارائه حمایت های مناسب به حمل کنندگان سلاح، در طول روند تلفیق، واحد ویژه ای را در مقر خود در ژنو و شماری از نمایندگان متخصص خود را (با پیشینه نظامی یا پلیسی) در مناطق



## قطعه نامه شماره ۲۱

بین المللی بشردوستانه از جمله از راههای زیر دعوت می کند:

الف) انتشار مطالبی که به آموزش حقوق بین المللی بشردوستانه کمک کند و توزیع اطلاعات به نحو مقتضی برای ترویج کنوانسیون های ژنو و پروتکل های الحاقی؛

ب) برگزاری سمینارها و دوره های حقوق بین المللی بشردوستانه به ابتکار خود یا به تقاضای دولتها یا جمعیت های ملی و همکاری برای این مقصود با دولتها و نهادهای مرتبط. " (۴)

کنفرانس دیپلماتیکی که منجر به تصویب پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ کنوانسیون های ژنو گردید، قطعه نامه شماره ۲۱ را نیز تصویب کرد که در آن صراحتاً "مقامات مورد نظر به برنامه ریزی و اجرای ترتیباتی برای آموزش حقوق بین المللی بشردوستانه به ویژه به نیروهای مسلح و به مقامات اداری مرتبط به شیوه مناسب با شرایط ملی و در صورت لزوم با کمک و مشورت کمیته ی بین المللی صلیب سرخ،" تشویق شده اند. (۲-الف)

همچنین قطعه نامه "از کمیته ی بین المللی صلیب سرخ برای شرکت فعال در ترویج دانش حقوق



## حمایت کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ از حاملین سلاح

حمایت و مشاوره خود را در مورد تولیدات با تکنولوژی بالا همچون فیلم ، ویدئو یا لوح فشرده ارائه کند.

در سالهای اخیر نمایندگان متخصص کمیته به طور فزاینده‌ای در عملیات‌های نیروهای مسلح و تمرینهای کامپیوتری پستهای فرماندهی شرکت داشته‌اند. نمایندگان کمیته علاوه بر بیان نقش سازمان در طول درگیری مسلحانه با ناظران این تمرینها به منظور اطمینان از تلفیق قانون همکاری می‌کنند. همچنین تماسهایی با شرکتهای خصوصی که مرتباً طرف قرارداد برخی دولتها برای تهیه تمرینهای بین‌المللی قرار می‌گیرند، برقرار کرده است.

اولین گام کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ صحبت با مقامات مرتبط و فرماندهان حاملین سلاح در مورد مسوولیت‌های آنها در خصوص تلفیق قانون و مسائلی است که در این روند باید بدان پرداخته شود.

در صورتی که فرماندهان خواستار حمایت کمیته باشند، سازمان در مورد پیش نویس دستورات اجرایی و برنامه‌ها مشاوره ارائه می‌کند. کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند در طول این روند و بر طبق شرایط دوره‌هایی را برای آموزش قوانین مرتبط به آموزگاران ، مربیان یا مشاوران حقوقی برگزار کرده یا سمینارها یا کارگاههای خاصی برای تولید یا بازنگری در دکترین، کتب درسی، فایل‌های آموزشی و کتابهای راهنمای موجود برگزار کند. کمیته در صورت لزوم





## محدوده حمایت کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ

تاکتیک‌های جدید، تصویب برنامه آموزشی جدید، بازنگری و تغییر دکترین یا خرید تجهیزات جدید آشکارا بر عهده مقامات و حاملین سلاح قرار دارد.

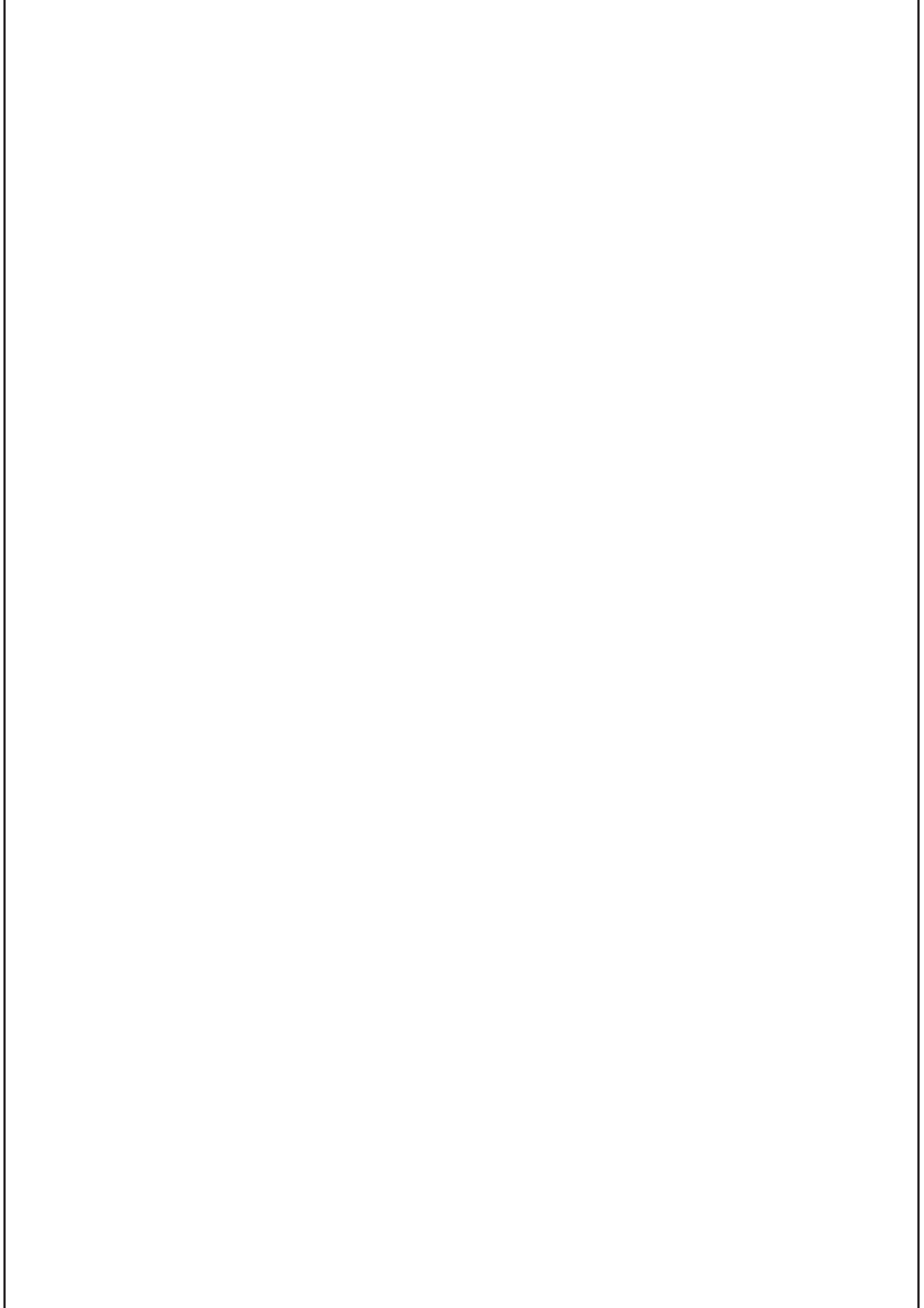
کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به حاملین سلاح در تفسیر قانون، درک مفاهیم عملیاتی و شناسایی پیامدها یاری می‌دهد. اما برای نمونه گام نهایی، در تنظیم راهنمایی برای



## مأموریت

کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، سازمانی بی‌طرف و مستقل است که فعالیت‌های بشردوستانه آن حمایت از حیات و کرامت انسانی قربانیان جنگ و ناآرامی‌های داخلی و امدادرسانی به آنهاست.

این سازمان فعالیت‌های امدادرسانی بین‌المللی برنامه‌ریزی شده توسط نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر را هماهنگ و اجرا می‌کند. تلاش برای جلوگیری از بروز آلام بوسیله ارتقا و ترویج حقوق بین‌المللی بشردوستانه در میان همگان از دیگر فعالیت‌های این سازمان است. کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ که در سال ۱۸۶۳ (۱۲۴۲ ه.ش.) پایه‌گذاری شد، در حقیقت منشأ نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر است.









ICRC